خراسان روزنامه صبح ایران
پنجشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ . ۲۰ رجب ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۴۲

سیمبر: تمایل آمریکا به تجزیه کشورها یک تجربه استعماری تاریخی است

سیمبر با بیان اینکه در نیمه دوم قرن بیستم کشورهای متروپل استعماری که نتوانستند در مقابل مبارزات مردم در سرزمین‌های مستعمره دوام بیاورند، مجبور به عقب‌نشینی شدند؛ گفت: آنان تاکتیک آمریکای فعلی را اتخاذ کردند و با تقسیم، سرزمین‌های تکه‌تکه‌ای را در آسیا و آفریقا به وجود آوردند که همواره به وابسته باشند. این سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن که توسط آمریکا دنبال می‌شود، بعدها آثار منفی خود را نشان داد.

گفتگو با دکتر رضا سیمبر درباره چشم انداز بحران های منطقه

آمریکا به دنبال تکه تکه‌کردن حاکمیت‌های منطقه است

تحلیل پارادایمی آمریکا و جهان عرب، نشان می دهد که بحران سوریه و یمن هنوز، دنباله دار است

غلامرضا کحلکی
g.kahlaki@khorasannews.com

عرصه بین‌الملل آبستن تحولات گوناگون است و در این میان، غرب آسیا قلب ژئواستراتژیک جهانی است. این اهمیت، تحلیل مسائل این منطقه را به حوزه علاقه‌مندی بسیاری از محققان روابط بین‌الملل تبدیل کرده است. در ادبیات تحقیقی روابط بین‌الملل، یکی از وظایف محققین این عرصه، بهره‌گیری از حقایق خبری جهت پیش‌بینی وقایع بین‌المللی است؛ این وظیفه، زمانی پررنگ‌تر می‌شود که غرب آسیا در آتش جنگ شعله‌ور است و جامعه جهانی نگران بحران انسانی در این منطقه است. اهمیت غرب آسیا و بحران‌های جاری در آن ما را بر آن داشت تا با دکتر رضا سیمبر، استاد تمام روابط بین‌الملل، گفتگو کنیم. در این گفتگوی با «تحلیل پارادایمی» و «گفتمانی» بازیگران صحنه گردان بحران‌های غرب آسیا، تصویری از آینده بحران در این منطقه را ارائه می‌کند و معتقد است: «فدرالیسمی که آمریکایی‌ها از آن دم می‌زنند و نمونه‌های مختلفی از آن را در خصوص عراق، سوریه و دیگر نقاط مطرح می‌کنند، حرکت به سمت «واگرایی ژئوپلتیکی» (Geopolitical Divergence) منطقه است.

آقای دکتر، بحران سوریه به کلاف پیچیده‌ای تبدیل شده که جامعه بین‌المللی را به خود مشغول کرده است، برای درک ریشه‌های بحران سوریه و بازیگری طرف‌های درگیر در آن از چه منظری باید به این بازیگران نگاه کرد؟

برای اینکه تحلیلی از آینده جهان در سال جاری داشته باشیم و درک درستی از وقایع منطقه‌ای و جهانی پیدا کنیم، نیازمند تحلیلی پارادایمی از نظام بین‌الملل هستیم. در شرایطی در سال ۲۰۱۶ و یا ۱۳۹۵ حضور داریم که بازهم شاهد استمرار «هژمونی طلبی» آمریکا در عرصه بین‌المللی هستیم. آمریکایی‌ها در اسناد مختلفی هنوز مدعی هستند که «رهبری» جهانی را بر عهده دارند و «کدخدایی نظام بین‌الملل» را عهده‌دار هستند. همه کنشگران بین‌المللی من جمله آمریکایی‌ها بر اساس «چارچوب‌های ادراکی» حرکت می‌کنند و کنشگری می‌کنند، بنابراین برای درک بازیگری بازیگران در عرصه بین‌المللی، لازم است تا این چارچوب‌ها را بفهمیم. برای فهم همه بازیگران باید چنین درکی را به دست آورد؛ مثلاً برای اینکه درک درستی از رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم، باید چارچوب‌های ادراکی آن را فهم کنیم. آمریکایی‌ها نظام بین‌الملل را به زبان ساده، «نظام مال خود» می‌دانند؛ آن‌ها گمان می‌کنند که رهبری جهان بر اساس تفکرات «سرمایه‌داری و لیبرالیستی» هستند. این نظام سلطه، خواهان وضع موجود است؛ چیزی که در روابط بین‌الملل به آن «کشورهای حافظ وضع موجود» (Status Quo State) می‌گویند. علت تمایل آمریکایی‌ها به حفظ وضع موجود، این است که این وضع به نفع آنان است. این وضع موجود به پیشبرد چارچوب‌های ادراکی آمریکایی‌ها کمک می‌کند و لیبرال دموکراسی را به سوی اهدافش هدایت می‌کند. دولت آمریکا در روند تحولات سوریه به خوبی نشان داده است که به دکترین تغییر رژیم‌های سیاسی بازور و مداخله نظامی معتقد است. واشنگتن در اجرای این دکترین به دنبال این است تا دولت‌های دست‌نشانده خود را در منطقه بر سر کار بیاورد. این چارچوب‌های گفتمانی آمریکا است که در سال ۲۰۱۶ نیز نمود خواهد داشت؛ یعنی آنان همچنان اعتقاد خواهند داشت که نه‌تنها در این سال، بلکه در دهه‌های آینده، این وضع موجود و توسعه نظام سرمایه‌داری را دنبال کنند. این تمایل آمریکایی‌ها باعث خواهد شد تا آنان با هر بازیگری که بخواهد وضع موجود را برهم بزند مقابله کنند و آن را محدود نمایند؛ آمریکایی‌ها بازیگران چالشگر خود را برنمی‌تابند و حتی سعی می‌کنند که آن را نابود کنند.

برای درک تحولات سوریه، کمی باید به کنشگری ایران و بعد به معادلات میدانی سوریه توجه نمود؛ می‌توان به صورت قاطع گفت که جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی جنگ سرد و تحولاتی که در دنیا رخ داد، تنها کنشگری است که چارچوب‌های ادراکی مستقل خاص خود را دارد و نظام جهانی فعلی را نظام مطلوبی نمی‌داند؛ یعنی چارچوب ادراکی فعلی کنشگری جمهوری اسلامی ایران تفکری است که نگاهش به وضع موجود، انتقادی و منتقدانه است؛ البته باید دقت کرد که این نوع نگاه انتقادی، رویکردی غیر خشونت‌آمیز است. جمهوری اسلامی ایران برای نیل به چارچوب‌های ادراکی انتقادی خود از خشونت استفاده نمی‌کند و آن را تجویز نمی‌نماید. ایران همواره قربانی خشونت و تروریسم است و بیش از ۱۷۰۰۰ شهید ترور دارد؛ ایران قربانی پدیده جنگ تحمیلی بوده است؛ هنوز هم خشونت علیه ایران ادامه دارد. گهگاه نظام سلطه سیاه نمایی می کند و چارچوب‌های ادراکی ما را با چارچوب‌های ادراکی داعش و گروه‌های تروریستی و خشونت‌طلب، مقایسه می‌کند که به‌واسطه آن تبلیغات گسترده‌ای علیه ایران به راه می‌اندازند. اما چارچوب ادراکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه این است که حضور «رژیم صهیونیستی»، عامل تنش و خشونت در منطقه است و تا زمانی که این رژیم با همین سیاست در غرب آسیا با حمایت آمریکایی‌ها حضور دارد و به اقدامات خشونت‌بار خود ادامه می‌دهد، نباید انتظار صلح و امنیت در منطقه را داشته باشیم؛ علاوه بر این، حمایت کشورهای عرب خاورمیانه به رهبری «رژیم رانتیر» و عقب‌افتاده سعودی از تل‌آویو به جای اینکه جهان اسلام را علیه اشغالگری‌های رژیم صهیونیستی بسیج کند، دلارهای کثیف آن‌ها را به سوی آنان سوق می‌دهد. دلارهای سعودی سر از جیب گروه‌های تروریستی و تکفیری و وهابی تندرو درمی‌آورند که این نیز با حمایت آمریکایی و رژیم صهیونیستی همراه است. این همراهی آمریکا با این جریان‌های تندرو، در حالی است که آنان ادعاهای «حقوق بشری» دارند.

اما در مورد سوریه می‌توان گفت که این بحران با شکل‌گیری گروه‌های «مخالفی» شروع شد که با وجود موضع‌گیری‌های بازیگران منطقی نظیر ایران که همواره راه‌حل بحران سوریه را «دموکراتیک» و از کانال مردم می‌دانستند، اما این گروه‌های تکفیری با همین «پترو دلار»ها با حمایت آمریکا دست به اسلحه و خشونت بردند. این گروه‌های مخالف، تعیین تکلیف می‌کردند و باوجوداینکه ادعا می‌نمودند که معتقد به انتخابات هستند، اما از نبود «بشار اسد» صحبت می‌کردند که باید مردم نسبت به آن تصمیم‌گیری می‌کردند؛ این ادبیات یعنی، بازیگران بیرون از سوریه و از مرزهای آمریکا برای مردم این کشور تصمیم‌گیری کنند که تفکر سلطه طلبانه ای است. سال ۲۰۱۶ و سال ۱۳۹۵ به نظر می‌رسد که هنوز سیاست مستکبرانه وزورگویانه آمریکایی‌ها ادامه خواهد داشت. البته مقاومت «گروه‌های مقاومت» در سوریه با همراهی ایران و دیگر بازیگران، نگذاشته خشونت از مرزهای کنونی آن به مرزهای داخلی کشورهای دیگر نظیر یعنی تئوری آمریکا این است که از نظر سرزمینی، حاکمیت کشورهای مختلف منطقه را تکه‌تکه کنند.

مخصوصاً در منطقه عراق و شامات. عمده غایت این رویکرد، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی است که با .....» دکتر سیمبر دیدگاه جالبی نیز درباره نگاه روسیه به فدرالیسم به ویژه در سوریه دارد. شباهت سیاست جنگ نیابتی پسا جنگ سرد دولت و کنگره آمریکا و شباهت‌های آن با سیاست دولت‌های استعماری قرن ۱۹ نیز در جای خود در خور تامل است.

وی چشم انداز فروکش بحران در سوریه و یمن را نیز در سال جاری چندان روشن نمی بیند و معتقد است: «تحلیل پارادایمی آمریکا و جهان عرب، نشان می‌دهد که بحران سوریه و یمن هنوز، دنباله‌دار است.» گفت وگوی ما با دکتر سیمبر به تحلیل سیاست کشورهای عرب منطقه و همچنین گرم تر شدن روابط این کشورها به ویژه عربستان با اسرائیل نیز کشیده شد.

«کشورهای عربی از درس‌های گذشته نیاموخته‌اند و همچنان به دنبال فرمول «بند واگن» و اتصال خود به دیگران هستند. راه دیگری که .....» آنچه می‌خوانید، گفتگوی ما با دکتر رضا سیمبر، استاد تمام رشته روابط بین‌الملل از دانشگاه نیوساوث ویلز استرالیا است:

در خصوص فدرالی شدن سوریه و احتمال توافقی که در این خصوص خبرساز شد و نیز بحث آینده حضور روسیه در مورد تحولات سوریه نظر شما چیست؟

فدرالیسم از دو منظر و معنا قابل تأمل است؛ فدرالیسم به معنای واقعی خودش یعنی اعطای حق خودگردانی در موارد و مناطقی که بحث‌های قومیت و مذهب مطرح است می‌تواند پاسخگو باشد و مسائل را حل کند؛ درواقع در معنای دانشگاهی، فدرالیسم به معنای سیاست خارجی و دفاعی مشترک، نظام داخلی متفاوت که با حاکمیت بیشتر قومیت‌ها و مذهب‌ها همراه است، لزوماً مفهومی نامطلوب نیست؛ اما فدرالیسمی که آمریکایی‌ها از آن دم می‌زنند و نمونه‌های مختلفی از آن را در خصوص عراق، سوریه و دیگر نقاط مطرح می‌کنند، حرکت به سمت «واگرایی ژئوپلتیکی» (Geopolitical Divergence) منطقه است.

یعنی تئوری آمریکا این است که از نظر سرزمینی، حاکمیت کشورهای مختلف منطقه را تکه‌تکه کنند. درواقع این یک راهبرد آمریکا است که در آن، تجزیه‌طلبی و تفرقه‌افکنی است، مخصوصاً در منطقه عراق و شامات. هدف این سیاست تجزیه و تکه‌تکه کردن سرزمین‌های عمدتاً اسلامی است که اکنون به‌خصوص در عراق و سوریه دنبال می‌شود. عمده غایت این رویکرد، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی است که به‌واسطه تکه‌تکه کردن کشورهای اسلامی متحقق می‌شود. کشورهای کوچکی که نتوانند امنیت تل‌آویو را به مخاطره بیندازند و از توان کافی برای تصمیم‌گیری مستقل در سیاست خارجی برخوردار نباشند و نهایتاً نظام کدخدا منشانه واشنگتن را پذیرا شوند. اگر مقداری به دهه‌های نیمه دوم قرن بیستم برگردیم، شاهد خواهیم بود که چگونه کشورهای مترو پل استعماری که نتوانستند در مقابل مبارزات و مجاهدت‌های مردم در سرزمین‌های مستعمره دوام بیاورند و مجبور به عقب‌نشینی شدند، همین تاکتیک آمریکای فعلی را اتخاذ کردند و با تقسیم موذیانه سرزمین‌های تکه‌تکه‌ای را در آسیا و آفریقا به وجود آوردند که همواره به آن‌ها وابسته باشند و هرگز نتوانند زندگی در استقلال را تجربه کنند. این سیاست کثیف تفرقه بینداز و حکومت کن بعدها و با گذشت صرفاً چند دهه آثار منفی خود را نشان داد. مردمی که مشترکات هویتی و تاریخی واحدی داشتند در دو سرزمین جداگانه جای داده شدند، و برعکس دو طایفه و قومی که سال‌ها با یکدیگر تعارض داشتند را در سرزمین واحدی جای دادند. تجربه تلخ و دردناک روآندا در سال‌های آخری قرن گذشته نشان داد که چگونه شیطان استعمار، فتنه و تفرقه را در قاره سیاه و ژئوپلتیک آن جای داد. تجربه‌ای تلخ که نزدیک به یک میلیون انسان در آن به دلیل کشمکش‌های قومی جان باختند. سیاست امروزین دولت و کنگره آمریکا، تغییر چهره جغرافیایی سیاسی منطقه شامات است به‌نحوی که نظام کدخدامنشانه آمریکا حفظ شود، امنیت رژیم صهیونیستی تأمین گردد و تفرقه و واگرایی به نفع رویکردهای امنیتی واشنگتن در آینده تأمین گردد. سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» سیاستی است که در نتیجه آن حکومت‌های ضعیف و ذره‌ای ایجاد می‌شود که استعمارگران را قادر می‌سازد تا در برابر آن، تدابیر خود را بهراحتی به اجرا می‌گذارند. این چنین سیاستی البته مورد توافق بازیگران منطقی در عرصه بین‌الملل نظیر ایران نیست و حتی به نفع مردم منطقه نیست. شایان ذکر است که روس‌ها عمدتاً معنای مطلوب فدرالیسم را مدنظر دارند و در ظاهر نمی‌خواهند که وحدت و یکپارچگی ملی از بین برود و خواهان این هستند که حاکمیت‌های فدرالی در سوریه بخواهند به حل مسائل قومی و فرقه‌ای کمک کنند. البته باید مدنظر قرار داد که روس‌ها بازیگرانی نظیر ایران نیستند و نباید این گونه تصور کرد که روس‌ها خیلی خالص در سیاست خارجی خود عمل کنند و بسیار تابع منافع خود هستند.

> کنشگران عرب منطقه متأسفانه چون رژیم‌هایی هستند که پایه‌های مردمی ندارند و در مقابل متغیر انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس قرار می‌گیرند، دچار «خودشکنندگی داخلی» هستند

البته فعلا در مسائل سوریه ایران و بازیگران «جبهه مقاومت» در این کشور به نقاط مشترک زیادی رسیده‌اند. این جبهه مشترک در ماه‌های گذشته به دستاوردهای مطلوبی نائل شده است. دستگاه دیپلماسی در کشورهای گوناگون به این نکته توجه ویژه دارند که در سیاست خارجی «همواره دوستی‌ها و دشمنی‌های دائمی» وجود ندارد و باید بر این اساس، اصول سیاست خارجی را تنظیم کرد.

آیا بحران سوریه خاتمه پیدا خواهد کرد و مذاکرات صلح در این کشور امسال سروسامان خواهد گرفت؟

بگذارید کمی به عقب باز گردیم و برای پاسخ به این سوال از حافظه تاریخی‌مان استفاده کنیم؛ بعد از جنگ جهانی دوم و در قالب جنگ سرد، دو ابرقدرت علیرغم انجام تهدیدهای متقابل هرگز با یکدیگر در خاک اروپا درگیر نظامی نشدند و عملاً جنگ را در خاک غیر و عمدتاً در آسیا و آفریقا دنبال می‌کردند که متأسفانه میلیون‌ها نفر قربانی این جنگ‌های نیابتی شدند. اکنون در دنیای پسا جنگ سرد، دولت و کنگره آمریکا همان سیاست قدیمی جنگ نیابتی را دنبال می‌کند که به‌ویژه در تحولات سوریه کنونی شاهد آن هستیم. این رویکرد امنیتی به نظر طراحان آن هزینه‌های کمتری برای دولت آمریکا خواهد داشت و عملاً واشنگتن سیاست‌های خود را به دست عوامل و مزدوران اجیر بگیر خود در منطقه دنبال می‌کند. تسلیحات خود را به فروش می‌رساند و افق امنیتی خود را تأمین می‌نماید. اما تنها چیزی که در این رویکرد کوته بینانه دولت و کنگره آمریکا دیده نمی‌شود، مصالح انسانی جوامعی است که در تیررس قرار می‌گیرند. امروزه شاهد هستیم که چگونه ترویج جنگ‌های نیابتی در عراق، سوریه و یمن هزینه‌های زیادی را به ملت‌های منطقه تحمیل کرده و تخم نفرت، خشونت و ترور را گسترش داده است. متأسفانه دولت آمریکا با این رویکرد خود، عملاً به دولت تروریست پروری تبدیل شده است که آثار دهشتناک آن اکنون در خاک اروپا و یا از موصل تا پاریس قابل مشاهده است و هر لحظه نیز انتظار می‌رود که بحران جدیدی نیز در راه باشد. آمریکا درست مانند سال‌های دفاع مقدس که از رژیم بعثی عراق حمایت به عمل آورد، ولی نهایتاً هیولایی را در آستین پرورانده که خود نیز از آن در امان نماند، امروز نیز همان رویه را پیشه کرده است. حمایت از داعش که به دست خودشان و رژیم‌های وابسته به آن‌ها مانند دولت سعودی انجام می‌شود، راه را برای بروز بحران‌های منطقه‌ای هر چه بیشتر در آینده فراهم می‌آورد. علیرغم همه آثار منفی و دهشتناک این رویکردهای غلط در کنش گری، شاهد هستیم که از دید آمریکایی‌ها مرغ یک پا دارد و آن‌ها دست از سیاست‌های تروریست پرورانه خود در منطقه خاورمیانه برنمی‌دارند. بنابراین، باید توجه کرد که تحقق صلح در سوریه وابسته به متغیرهای گوناگونی که در این تحولات مطرح است، نظیر: میزان کمک به تروریست‌ها و خشونت‌طلب‌ها در سوریه، جمع معادلات دیپلماتیک و ائتلاف‌های منطقه به‌ویژه روسیه و ایران، توان رزمی و همگرایی که در داخل سوریه علیه گروه‌های تروریستی وجود دارد و همت مردم این کشور در برابر تروریست‌ها. ولی از لحاظ چارچوب‌های ادراکی، تائید خاصی مبنی بر تحولات موجد صلح پایدار در سوریه دیده نمی‌شود.

> آمریکایی‌ها نظام بین‌الملل را به زبان ساده، «نظام مال خود» می‌دانند؛ آن‌ها گمان می‌کنند که رهبری جهان با آن‌ها است؛ آن‌ها مدعی هدایت جهان بر اساس تفکرات «سرمایه‌داری و لیبرالیستی» هستند. این نظام سلطه، خواهان وضع موجود است

با نزدیک شدن عربستان به رژیم صهیونیستی و تغییراتی که در نقشه سیاسی منطقه در حال شکل‌گیری است، بحران در یمن به چه سمتی حرکت خواهد کرد؟

برای پاسخ به این سوال نیز از فهم چارچوب‌های ادراکی کنشگران استفاده می‌کنیم؛ کنشگران عرب منطقه متأسفانه چون رژیم‌هایی هستند که پایه‌های مردمی ندارند و در مقابل متغیر انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس قرار می‌گیرند، دچار «خودشکنندگی داخلی» یا ضربه‌پذیری داخلی (Internal Vulnerability) هستند. بنابراین لازم نیست که اسلحه و نیرو در برابر آن‌ها و برای آن چیزی که آن‌ها می‌گویند، یعنی صدور انقلاب ارسال کرد؛ این کشورها با توجه به مشکلات داخلی خود و نیز جاذبه گفتمانی انقلاب اسلامی با مشکل مواجه می‌شوند. این مورد باعث می‌شود که آن‌ها به خودی خود از ایران هراس داشته باشند. این کشورها دو بحران اصلی دارند، «بحران هویت» و «بحران مشروعیت». با عنایت به این ویژگی‌ها، کشورهایی مثل عربستان، چارچوب ادراکی آن‌ها، این کشورها را برای شکل دادن به «چسب حفاظتی» از خود، به سوی رژیم صهیونیستی و بعضاً آمریکا سوق می‌دهد. این چسب حفاظتی اما در گذشته و در حمله عراق به کویت نشان داد که چقدر آسیب‌پذیر است. البته این کشورهای عربی از درس‌های گذشته نیاموخته‌اند و همچنان به دنبال فرمول «بند واگن» و اتصال خود به دیگران هستند.

> فدرالیسم به معنای واقعی خودش یعنی اعطای حق خودگردانی در موارد و مناطقی که بحث‌های قومیت و مذهب مطرح است می‌تواند پاسخگو باشد و مسائل را حل کند؛ اما فدرالیسمی که آمریکایی‌ها از آن دم می‌زنند و نمونه‌های مختلفی از آن را در خصوص عراق، سوریه و دیگر نقاط مطرح می‌کنند حرکت به سمت «واگرایی ژئوپلتیکی» (Geopolitical Divergence) منطقه است

با نزدیک شدن عربستان به رژیم صهیونیستی چنین سیاست‌هایی را در پیش گرفته تا نسبت به باز تعریف قدرت خود از مجاری اعراب اقدام کند؟

رژیم صهیونیستی نشان‌دهنده تغییر رفتاری خاصی در سیاست‌های خود در عرصه بین‌المللی نیست. همیشه ماهیت این رژیم «اشغالگری» و سیاست «مشت آهنین» بوده است. این مشت آهنین توسط رژیم صهیونیستی برای تحقق منطق اسرائیلی در جهان همواره مدنظر آن است. بنابراین باید تمام تاکتیک‌های رژیم صهیونیستی را برای نیل به پارامترهای قدرتی بیشتر جهت حصول به اهداف اشغالگرانه آن در منطقه و جهان تفسیر کرد. رژیم صهیونیستی با این نزدیک شدن‌ها، سعی می‌کند تا اهرم فشار بیشتری برای طیف مقابل خود ایجاد کند. رژیم صهیونیستی نیز همواره به دنبال حفظ وضع موجود خود در منطقه و افزایش سلطه اشغالگرایانه خود است. اما این سیاست مشت آهنین ناکارآمدی خود را نشان داده است و در برابر رویکردهای «مقاومت» در منطقه، رنگ باخته است. اسرائیلی‌ها در همه آتش‌افروزی‌هایی که در دهه گذشته داشته‌اند نشان داده‌شده است که بازنده هستند.

در مورد ارتباط آمریکا با تحولات منطقه نیز باید این گونه گفت که در آمریکا تفکری غلبه دارد که در سیاست‌های منطقه‌ای خود با توجه به وابستگی آن‌ها به لابی‌های صهیونیستی، هر طیفی که بر سر کار باشد، وابستگی خاصی به تل‌آویو خواهد داشت و حدی از ارتباط نزدیک با آن را برای خود حفظ می‌کند. بنابراین، به دلیل نزدیک بودن انتخابات آمریکا باید این نکته را خاطرنشان کرد که یک عنصر ثابت در سیاست خارجی آمریکا، حمایت از تل‌آویو و «روابط خاص» با رژیم صهیونیستی است.

آگهی فراخوان
مناقصه عمومی شماره ۹۴/۳۰۲ (دومرحله ای)
(نوبت اول)
شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

این شرکت در نظر دارد اجرای پروژه های عمرانی توسعه و اصلاح شبکه توزیع برق روستایی سرخس و قوچان را از محل اعتبارات طرح تملک دارائی های سرمایه ای با مبلغ برآوردی ۴/۶۳۷ میلیون ریال، از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از تمامی داوطلبان دارای صلاحیت دعوت می شود جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه به شرح درج شده در سایت شرکت به آدرس اینترنتی www.kedc.ir و یا سایت توانیر به آدرس اینترنتی www.tavanir.org.ir و همچنین پایگاه ملی مناقصات www.iets.mporg.ir مراجعه فرمایند.

دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی آ/۹۵۰۳۵۶۹۶

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

نجات آب کشاورزی
الزامی برای تامین آب شرب

این شرکت در نظر دارد در اجرای مفاد جزء یک از بند الف ماده ۴ قانون برگزاری مناقصات مصوب سال ۱۳۸۳، از محل اعتبارات طرح های عمرانی نسبت به برگزاری مناقصات عمومی یک مرحله ای به شرح جدول زیر اقدام نماید. رعایت تصویب نامه شماره ۴۰۸۳۲/۱۰۰۹۳ مورخ ۸۸/۵/۱۵ شورای عالی استاندارد مبنی بر ضرورت ارائه پروانه کاربرد علامت استاندارد ملی ایران از سوی تولیدکنندگان الزامی است و به پیشنهادهای فاقد ارائه گواهی استاندارد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ردیف	شماره مناقصه	شرح کالا	متراژ	مبلغ تضمین (میلیون ریال)	محل تخلیه (تحویل کالا)
۱	۹۵۰۰	لوله گالوانیزه به قطر ۲ الی ۸ اینچ	۷۴۲۲	۲۷۵	شهرستانهای استان خراسان رضوی
۲	۹۵۰۸	لوله یو پی وی سی جدار چاهی ۱۴ اینچ	۳۶۰۶	۴۰۰	شهرستانهای استان خراسان رضوی
۳	۹۵۰۹	لوله فولادی جدار چاهی ۱۴ اینچ به ضخامت ۶/۳۵	۲۶۷۶	۲۰۰	شهرستانهای استان خراسان رضوی

مبلغ تضمین در فرایند ارجاع کار خرید کالا بایستی به یکی از صورتهای زیر شامل ضمانتنامه بانکی یا ضمانتنامه موسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی یا وجه نقد واریز به حساب جاری سیبا ۲۱۷۵۲۱۱۷۹۹۰۰۷ بانک ملی مرکزی مشهد به نام تمرکز وجوه سپرده شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان رضوی یا سایر تضمینات به شرح مندرج در اسناد مناقصه باشد.
لذا از کلیه تولیدکنندگان و نمایندگان مجاز دعوت می گردد، از تاریخ درج اولین آگهی جهت اخذ اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه از طریق سایت ملی مناقصات و تکمیل و تحویل آن به دبیرخانه این شرکت اقدام نمایند.
مهلت ارائه پیشنهادات از ۹۵/۰۲/۰۸ تا ۹۵/۰۲/۲۰ و زمان بازگشایی پاکت ها ساعت ۹/۳۰ مورخ ۹۵/۰۲/۲۱ در محل دفتر مدیر عامل خواهد بود. تلفن تماس برای کسب اطلاع بیشتر ۳۷۶۲۰۰۰۷
سایت ملی مناقصات www.iets.mporg.ir
سایت شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان رضوی: www.abfar-kh.ir

روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان رضوی

ضمنا سامانه پیام کوتاه این شرکت با شماره ۳۰۰۰۱۸۳۲ آماده دریافت انتقادات و پیشنهادات شما عزیزان می باشد. ۹۵۰۳۴۲۱۷/ب

آگهی مزایده

«**آستان قدس رضوی**» در نظر دارد حقابه از یک حلقه چاه عمیق کشاورزی و اراضی تحت شرب آن را در مزرعه عاشقان برای کشت بهاره سال زراعی جاری از طریق مزایده به اجاره واگذار نماید. متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات از شرایط و هماهنگی جهت بازدید به مدیریت املاک و اراضی دو مشهد واقع در نبش میدان بوعلی مراجعه و جهت تکمیل مدارک و شرکت در مزایده روزهای ۹۵/۰۲/۱۲ الی ۹۵/۰۲/۱۴ ساعت ۹ صبح الی اذان ظهر به اداره واگذاری آستان قدس رضوی واقع در چهارراه شهدا مراجعه نمایند.

۹۵۰۳۴۸۹۵/م

تبلیغات باید به زبان مشتری و در ذهنیت و تصورات او بگنجد.

اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی
آگهی اعلام رای کمیسیون تشخیص ماده ۱۲ قانون زمین شهری

موضوع: آگهی اعلام رای موات پلاک **قسمتی از ۶** اصلی بخش **۳ سبزوار** کمیسیون تشخیص موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری برابر نظریه شماره **۵۰** مورخ **۹۴/۱۰/۳۰** پلاک **قسمتی از ۶** اصلی واقع در بخش **۳ سبزوار** به مساحت **۴۰۹۱** مترمربع موسوم به **کلوت** مطابق با کروکی ذیل را موات تشخیص داده است. لذا مستند به ماده واحده مصوبه مورخ ۷۰/۱۱/۳ مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام جهت اعلام به مالکین و سایر مدعیان و دارندگان حقوق قانونی در ملک مذکور این نظریه در دو نوبت به فاصله ده روز در روزنامه منتشر می‌گردد، تا در صورت اعتراض (تا سه ماه از انتشار آخرین آگهی) اعتراض خود را به دادگاه صالحه تسلیم نمایند. بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مذکور این نظریه قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

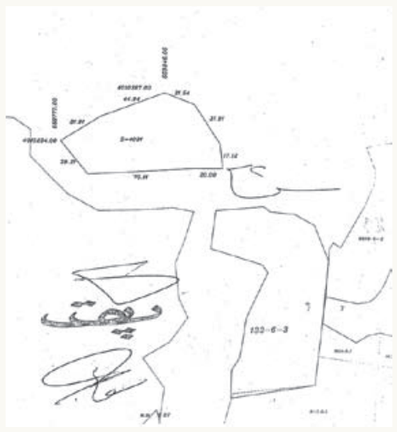

روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی آ/۹۵۰۱۲۹۷۳